

گزارش تحلیلی ایسکانیوز پیرامون مشکلات ساختاری باشگاه آبی پوش

استقلال به مجمع نیاز دارد نه مدیر دست نشانده!

اوضاع این روزهای استقلال سرشار از اتفاقات مدیریتی پیدا و پنهانی است که باید مورد بررسی قرار بگیرد، اما بزرگترین نیاز این روزهای استقلال تشکیل یک مجمع قوی است که در انتخاب های مدیریت باشگاه نقش داشته باشد.

به گزارش خبرنگار ایسکانیوز، اوضاع در باشگاه استقلال پیچیده تر از آن است که بشود به درستی توصیفش کرد. برای درک مشکلات استقلال و دلایل نارضایتی هواداران استقلال شاید بهتر باشد ابتدا بحران ها و مشکلات استقلال را بررسی کنیم و بعد به این سوال پاسخ بدهیم که دوی درد استقلال چیست.

بحران های باشگاه استقلال

بحران های باشگاه استقلال را می توان اینگونه درجه بندی کرد.

۱. بحران مشروعیت یا پذیرش :

بزرگترین بحران فعلی استقلال بحران مشروعیت یا پذیرش است. در استقلال غیر از آندرا استراماچونی و وریا غفوری ، هیچ فرد دیگری وجود ندارد که بین هواداران استقلال و حتی رسانه ها یا پیشکسوتان دارای مشروعیت و پذیرش باشد. مشروعیت هر فرد یا از رفتار و گفتار او می آید و یا از سلسله مراتبی که به او این مشروعیت را اعطا کرده اند. در استقلال به دلیل بی اعتمادی عمیق و پاک نشدن هواداران به مسعود سلطانی فر وزیر ورزش و جوانان، هر آنکس که با امضای او وارد باشگاه استقلال شود در لحظه ورود قدرت پذیرش خود توسط افکار عمومی را از دست می دهد. نمونه بارز آن علی فتح اله زاده است که به محض بازگشت به باشگاه و آغاز حمایت از مسعود سلطانی فر، پذیرش خود بین بخشی از هواداران را از دست داد و در تجمع مقابل وزارت ورزش با توهین و پرخاش هواداران به ناچار عرصه را ترک کرد.

وضعیت نامناسب ستار همدانی نیز چنین است و به خاطر برگزیده شدن از سیستم مدیریتی منصوب به وزیر اعتباری بین بازیکنان و هواداران پیدا نکرده و حرمت گذشته را از دست داده است، شنیده ها از عدم پذیرش او توسط بازیکنان حکایت می کند که خبر تلخی است.

اعضای هیئت مدیره نیز به صورت کامل اعتبار و مشروعیت خود را در افکار عمومی از دست داده اند و بقای آنها در هیئت مدیره جدید مسلما باعث تداوم بی اعتمادی هواداران خواهد شد.

۲. بحران ساختاری:

استقلال دومین بحران خود را در ساختار ناقص، ابتر و از کار افتاده ای می داند که در آن، نه کمیته بازاریابی درستی مشغول به بهره برداری از برند این باشگاه است، نه کمیته حقوقی قدرتمندی وجود دارد که بتواند از طریق پیشبرد دعوای حقوقی با اسپانسرهای پیشین مطالبات باشگاه را نقد کند و نه بازوهای اطلاع رسانی باشگاه وظیفه خود را به درستی انجام می دهند. باشگاه استقلال نه معاونی دارد و نه ساختاری. این عدم تشکیل یک ساختار منسجم و رو به جلو و تکیه کردن به جذب کارمندانی که بعضاً مشغول انتقال اخبار و اتفاقات به بیرون از ساختار هستند، منجر به از کار افتادن ستاد راهبردی باشگاه شده است. باشگاه استقلال ساختاری بسیار سست، پوسیده و از کار افتاده دارد.

۳. بحران درآمدزایی:

باشگاه استقلال چنان در مشکلات مالی غرق شده که بزرگترین و ساده ترین شکل کارکرد خود را از دست داده است. درآمدزایی در باشگاهی که بدهی هایش سر به فلک می کشد واژه ای گمشده است. استقلال نه تنها علاقه ای به درآمدزایی و تولید ثروت ندارد که از آن فراری است. آسودگی خیال مدیران سال های اخیر به مصون ماندن از هر نوع بازرسی، پاسخگویی و جبران خساراتی که به باشگاه زده اند و از همه مهمتر، بسط و گسترش روحیه مسموم به ارث گذاشتن بدهی برای مدیران بعدی، هر نوع میلی به درآمدزایی را در نطفه خفه می کند.

۴. بحران روزمرگی:

در کنار این بحران ها استقلال درگیر آفت بزرگتری شده به نام بحران روزمرگی که مکمل بحران سوم است. باشگاه به دلیل میزان سنگین بدهی های خود عملاً در ساختار اداری خود فلج است و روزانه وقت بسیار زیادی از کارمندان ارشد باشگاه صرف پاسخ دادن به طلبکاران می گردد. استقلال نه تنها از پرداخت بدهی های خود عاجز است بلکه وقت معدود کارمندان خوب باشگاه به جای وقت گذاشتن برای بازاریابی و توسعه درآمدهای باشگاه صرف کلنجار رفتن با طلبکاران ریز و درشتی می شود که انگار تمامی ندارند. فقط کافی است یک روز را در دفتر هادی مباشری (معاون اجرایی باشگاه) بگذرانید تا عمق فاجعه را متوجه شوید.

۵. بحران مالی:

ماحصل جمع چهار بحران بالا به بحران مالی منجر می گردد. باشگاه هیچ وقت از نظر مالی خودکفا و راضی نیست. طلبکاران مقابل باشگاه رژه می روند و پرداخت مطالبات بازیکنان و مربیان همیشه با تاخیر صورت می گیرد. استقلال نه تنها بدهکار است بلکه توانی برای پرداخت بدهی های خود ندارد و از سوی دیگر هر روز بر کوه مطالبات پرداخت نشده باشگاه اضافه می شود.

۶. بحران لجستیکی:

استقلال فاقد لجستیک مناسب برای پیشبرد لیگ است. زمین تمرین، تجهیزات و امکانات مناسب برای راضی نگه داشتن سرمربی و خرده مشکلاتی چون کمبود نیازهای ساده ای چون لباس، تجهیزات و حتی تغذیه بعد از تمرین، این تیم بی اندازه دارای پتانسیل را به تیمی محتاط با آرزوهای کوچک تبدیل کرده است.

۷: بحران شفافیت:

بی نیاز از توضیح، هیچ چیزی در باشگاه استقلال شفاف نیست. نه میزان بدهی ها، نه دلیل انتخاب چهره های متوسط و ضعیف برای تصرف ارکان مختلف باشگاه و نه چیز دیگری.

آنچه باید صورت گیرد

اما استقلال برای بازگشت به روزهای بهتر باید از چه مسیری پیش برود؟ برای این سوال این پاسخ ها به ذهن می رسد.

بازگشت استراماچونی به تیم و نشستن او روی نیمکت

از لحظه دریافت پول توسط او خبری در مورد زمان بازگشتش به تهران مخابره نشده است. تنها خبر منتشر شده این است که او درخواست کرده تا در تعطیلات سال نو با خانواده اش باشد که این خبر با روحیاتی که از او سراغ داریم موجه به نظر نمی رسد.

انتخاب نفرات جدید و خوشنام برای مجمع باشگاه و انتخاب مدیرعامل توسط مجمع

هر آنکس که مورد انتخاب وزیر ورزش باشد هنوز پایش را به باشگاه نگذاشته با فریاد حیا کن و رها کن مواجه می شود. بهتر است استقلال انتخاب مدیرعامل و اعضای جدید هیئت مدیره را از طریق مجمعی از پیشکسوتان و مدیران خوشنام برگزار کند.

تغییر کامل اعضای هیئت مدیره استقلال و انتخاب نفرات جدید

بعید است هواداران خشمگین و ناراضی استقلال به تداوم فعالیت هیئت مدیره فعلی رضایت دهند، استقلال به شدت نیازمند نفراتی جدیدی در هیئت مدیره خود است.

شفافیت کامل رسانه ای باشگاه پیرامون تمام تغییرات

رسانه رسمی باشگاه استقلال مرجعیت خبری خود نزد هواداران را به صورت کامل از دست داده است. مدیران باشگاه نیز عادتاً به انتقال اخبار به رسانه ها ندارند. شایعاتی مبنی بر انتخاب هاشم ساعدی به عنوان سخنگوی باشگاه منتشر شده که خبر خوبی است. استقلال نیازمند گفت و گو با هواداران خود است.

انتخاب معاونان و چهره های جدید مخصوصاً کمیته بازاریابی

استقلال به نفرات بیشتری برای صحبت کردن با هوادارانش نیاز دارد. نفراتی که هواداران استقلال به آنها اعتماد داشته باشند.

استفاده از منتقدان

حضور پیشکسوتان خوشنام و صریح اللهجه ای چون رضا حسن زاده، محمد نوری و هادی طباطبایی در پست های اجرایی باشگاه سبب می شود تا هواداران استقلال کمی به ساختار باشگاه بیشتر اعتماد کنند. استفاده از پیشکسوتان خنثی و ساکت، جذابیتی برای هواداران ندارد.

آغاز سریع برنامه نقل و انتقالات نیم فصل و جذب بی اندازه سریع چند بازیکن جدید

هیچ خبری برای هواداران استقلال خوشایندتر از جذب چند بازیکن جدید نیست. استقلال نیازمند تقویت است و جذب چند بازیکن جدید می تواند کمی افکار عمومی را آرام کند. البته بگذریم از این قضیه که نقل و انتقالات استقلال و پرسپولیس امروز به دلیل بدهی ها تعلیق شد. این از آن مشکلاتی است که با تزریق کمی پول به طلبکاران برطرف می شود.

چهره ها

اما سوالی اصلی اینجاست که استقلال باید با کدام چهره های مدیریتی نیم فصل دوم را آغاز کند؟ این نفرات بیشتر در رادار هواداران یا وزارت ورزش قرار دارند.

علی فتح اله زاده

حضور او بین بخش زیادی از هواداران سنتی استقلال مورد حمایت است. او نماد همه چیزهایی است که استقلال حالا ندارد: مدیر تمام وقت، خریدهای انفجاری و حضور تمام وقت در رسانه. هواداری که به علی فتح اله زاده اعتماد دارد می داند که این سه فاکتور همیشه با او همراه است.

کاظم اولیایی

احتمالا سودایی برای نشستن روی نیمکت استقلال ندارد اما برای عضویت در هیئت مدیره یا راه انداختن مجمع استقلال بسیار مفید است. برای خصوصی سازی و واگذاری استقلال به بخش خصوصی تنها کسی است که برنامه عملیاتی مدون و مشخص دارد.

محمد حسین قریب

گزینه بسیار مناسب و هوادارپسند. اگر بپذیرد که استقلال را اداره کند، گزینه ای بهتر از او برای استقلال قابل تصور نیست.

امیرحسن واعظی آشتیانی

مواضع ضد وزارت ورزش او برای ایجاد مقبولیتش برای اداره مجدد استقلال مفید است. اگرچه بین عامه هواداران مقبولیت لازم را ندارد اما قابلیت اداره باشگاه را دارد.

احتمالا نامناسب ترین گزینه موجود و احتمالا مدیرعامل قطعی باشگاه! خلیل زاده تنها به پشتوانه پرداخت های مالی خود است که شانس برای حضور بین نامزدهای مدیریتی دارد. از نگاه هواداران استقلال حضور او روی سکوی مدیرعاملی استقلال تداوم توطئه ای است که مسعود سلطانی فر برای نابودی استقلال به اجرا گذشته است. سخنگوی خوبی نیست و روی صندلی مدیریت تیم قطعا ضعف ها و عیب هایش بیشتر و بیشتر عیان خواهد شد.

ناتوانی او در جمع کردن پرونده استراماچونی و ورود دستگاه دیپلماسی و بانک مرکزی به این ماجرا نشان می دهد که او توان مدیریتی لازم برای حل کردن مسائل کوچک را ندارد. قطعا حضور او به عنوان مدیرعامل با پذیرش هواداران مواجه نخواهد شد.

احمد سعادت مند

احتمالا یک گزینه مناسب اما مغفول برای حضور مجدد در هیئت مدیره به عنوان رئیس یا مدیرعامل است. او یک مدیر استقلالی متعصب و همچنین دارای پیشینه ورزشی مناسبی است که می تواند حضورش در باشگاه را موجه جلوه دهد. وی قربانی اختلاف با زوج فتحی/سلطانی فر و منتقد شیوه غلط اداره باشگاه توسط این دو بود که هم از دل وزارت خانه می آید و هم با وزارت خانه زاویه دارد. او شانس پذیرش نزد هواداران را دارد چرا که به دلیل اختلافات مدیریتی اش با فتحی از تیم استعفا داد.

بازی استقلال به زودی وارد مرحله جدیدی می شود

استقلال به زودی وارد بازی جدیدی می شود، انتخاب مدیرعامل. خبرهای غیر رسمی از تداوم حضور خلیل زاده خبر می دهند، یارکشی های جدید هم نشان می دهد که او کابینه خود را برای نشستن روی صندلی مدیریت باشگاه تقویت می کند. جلسه سرنوشت ساز برای انتخاب رسمی مدیرعامل قرار است بعد از بازگشت استراماچونی برگزار شود. فعلا استقلال از نقل و انتقالات محروم است و باید ابتدا این مشکل برطرف شود و بعد جذب نفرات جدید آغاز گردد.

قدر مسلم اینکه هواداران استقلال با بی اعتمادی محض به حرکات و تحولات مدیریتی باشگاه نگاه می کنند. سکوت خبری علی فتح اله زاده نیز از کاهش احتمال شانس حضور او در صندل مدیریت خبر می دهد اگرچه هنوز بازی در استقلال وارد فاز نهایی نشده است.